

یکی از دلایل مهم منتقدان تشکیل وزارت بازرگانی و لایحه دولت، مغایرت آن با اسناد بالادستی و قوانین مختلف کشور است

با وجود تصویب لایحه تشکیل وزارت بازرگانی در دولت، بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد این لایحه با بندهای از قانون اساسی، سایر قوانین مانند قانون تمرکز وظایف و اختیارات مربوط به بخش کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی، اسناد بالادستی مانند برنامه ششم توسعه و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های کلی نظام اداری و سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری مغایرت دارد؛ مغایرت‌هایی که به بیش از ۱۰ مورد می‌رسد.

**باز هم تفکیک**

بعد از اینکه هیئت وزیران، ششم اردیبهشت‌ماه سال

بر واردات کالا برای تامین نیازها اشاره دارد، بنابراین مغایرت لایحه دولت با اصل ۴۳ قانون اساسی است.

**مغایرت با برنامه ششم توسعه**

دومین مغایرت لایحه تشکیل وزارت بازرگانی با قانون برنامه ششم توسعه است و از آنجا که برنامه‌های توسعه، سند بالادستی محسوب می‌شوند چنانچه قرار باشد، قانونی مغایر با آنها تصویب شود به دوسوم آرای نمایندگان مجلس نیاز دارد.

در این رابطه، طبق بند الف ماده ۲۸ قانون برنامه ششم توسعه، در راستای هدف‌گذاری پنج‌ساله کشور، کاهش ۱۵ درصدی حوزت دولت ضروری است. این در حالی است که تشکیل وزارت بازرگانی به حمیم شدن دولت می‌انجامد و بنابراین مغایر با این ماده برنامه ششم است؛ موضوعی و بنابراین

## اقتصادی

در بازار می‌شود و این امر، زمینه حضور تولیدکنندگان را در بازارهای جهانی از بین می‌برد و از این‌رو، این بند قانونی نیز با لایحه دولت مغایرت دارد.

**مغایرت با قانون تضمین خرید محصولات کشاورزی**
هشتمین مغایرت لایحه تشکیل وزارت بازرگانی، با اصلاحیه قانون تضمین خرید محصولات کشاورزی است. طبق بند الف ماده ۱ اصلاح قانون تضمین خرید محصولات کشاورزی، مصوب آبان‌ماه ۱۳۹۹، «شورای قیمت‌گذاری و اتخاذ سیاست‌های حمایتی محصولات اساسی کشاورزی» که نهادها و اصناف در آن حضور دارند، موظفند با توجه به عوامل مختلف مانند قیمت بهینه برای تولیدکنندگان، که در آینده قرار است به وزارت بازرگانی ملحق شوند، به دقت ذکر کرده و از این لحاظ، این بند سیاست کلی محصولات اساسی کشاورزی را تعیین کنند.

مورد ششم بند ۹ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری، بر— ذکر دلایل و توجیحات کافی در مواجهه با انتقادات کارشناسی تاکید کرده است اما از آن‌جا که در لایحه تشکیل وزارت بازرگانی، این مستندات کافی مشاهده نمی‌شود، مغایر با این مورد در بند ۹ است.

**مغایرت با سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری**
یازدهمین تا سیزدهمین مغایرت لایحه تشکیل وزارت بازرگانی، هم با سیاست‌های کلی است. البته علاوه‌بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و نظام اداری که قبلا به آن اشاره شد، این بار لایحه دولت با موارد سوم، ششم و هفتم از بند ۹ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری منافات دارد.

مورد سوم بند ۹ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری به شفافیت و عدم ابهام در تدوین لایحه اشاره دارد. در حالی که تبصره ۴ لایحه وزارت بازرگانی، سناختارهایی که در آینده قرار است به وزارت بازرگانی ملحق شوند، به دقت ذکر کرده و از این لحاظ، این بند سیاست کلی رعایت نشده است.

مورد ششم بند ۹ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری، بر— ذکر دلایل و توجیحات کافی در مواجهه با انتقادات کارشناسی تاکید کرده است اما از آن‌جا که در لایحه تشکیل وزارت بازرگانی، این مستندات کافی مشاهده نمی‌شود، مغایر با این مورد در بند ۹ است.



در حال حاضر، قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی برعهده شورای یادشده در بالاست اما با تشکیل وزارت بازرگانی و انتقال اختیارات حوزه بازالر از وزارت جهاد کشاورزی به بازرگانی، عملاً مصوبه این قانون نقض می‌شود لذا مغایرت قانونی دارد.

**مغایرت با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی**
برخی مغایرت‌های لایحه تشکیل وزارت بازرگانی با سیاست‌های کلی کشور است سیاست‌های که اتفاقاً رهبر معظم انقلاب، تاکید فراوانی بر اجرای آنها دارند.
نهمین مغایرت لایحه تشکیل وزارت بازرگانی با بند ۱۶ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است. در این بند بر «صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تاکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زائد» تاکید شده است.

بر این اساس، تمرکز تولید و تجارت در بخش‌های تولیدی به منظور ایجاد هماهنگی بیشتر و حذف تعارضات اداری به صرفه‌جویی در ساختار سیاست‌گذاری کشور و شیر (اعم از شیرخشک صنعتی و سایر محصولات لبنی) تعرفه موثر تعیین نماید؛ به‌گونه‌ای که نرخ مبادله به نفع تولیدکنندگان داخل کشور باشد.» با توجه به اینکه این وظایف برعهده وزارت جهاد کشاورزی است در صورت تشکیل وزارت بازرگانی، این وزارت‌خانه با مدیریت بازار از طرف واردات و تعیین قیمت بدون توجه به تولیدکننده، مغایر با سیاست‌های مصوب پیش می‌رود.

هفتمین مغایرت لایحه تشکیل وزارت بازرگانی نیز با قانون نظام جامع دامپرووری، البته بند ۱۹ این قانون است. طبق این بند، «در صورت وجود مزایا تولید محصولات دامی اعم از خام و فرآوری‌شده، دولت موظف است شرایط حضور تولیدکنندگان در بازارهای جهانی را تسهیل نماید. همچنین زمینه‌های گسترش بورس کالاهای کشاورزی به محصولات دامی را فراهم نماید. صادرکنندگان این محصولات مشمول جایز صادراتی نیز خواهند گردید.»
بازرگانی، با ماده ۳ قانون تمرکز در تضاد است زیرا با سپردن مدیریت بازار و واردات محصولات غذایی به وزارت

**اولین مغایرت تشکیل وزارت بازرگانی با بند ۱ اصل ۴۳ قانون اساسی است.**
**در اصل ۴۳ آمده است:**
**«تاکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تامین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.»**
**تهدید خودکفایی با تشکیل وزارت بازرگانی که غالباً بسر واردات کالا برای تامین نیازها اشاره دارد بیانگر مغایرت لایحه دولت با اصل ۴۳ قانون اساسی است.**

# ۱۵ مغایرت لایحه تشکیل وزارت بازرگانی با اسناد بالادستی

که نمایندگان مجلس و کارشناسان مختلف نیز بارها بر آن تاکید کرده‌اند.
سومین مغایرت نیز به تبصره بند الف ماده ۲۸ برنامه توسعه ششم برمی‌گردد. بر این اساس، «انحلال، انتراع و ادغام موسساتی که به‌موجب قانون، تأسیس شده است، صرفاً با تصویب مجلس شورای اسلامی امکان‌پذیر می‌باشد.» این تبصره برنامه ششم توسعه نیز مغایر با تبصره ۴ ماده واحده لایحه تشکیل وزارت بازرگانی مصوب هیئت وزیران است زیرا در تبصره ۴ تاکید شده در صورت نیاز، انتقال و انتراع سایر دستگاه‌ها به این وزارت‌خانه (بازرگانی)، با تصمیم هیئت وزیران ممکن است. این در حالی است که این اختیار، مغایر برنامه ششم توسعه است و اگر قرار به تغییر باشد، مجلس، صاحب اختیار است نه دولت.

**مغایرت با قانون تمرکز**

چهارمین مغایرت لایحه دولت درباره تشکیل وزارت بازرگانی با بند الف ماده یک‌قانون تمرکز وظایف و اختیارات مربوط به بخش کشاورزی در وزارت جهادکشاورزی است. بر اساس بند الف ماده یک قانون تمرکز، اختیارات

که نمایندگان مجلس و کارشناسان مختلف نیز بارها بر آن تاکید کرده‌اند.

سومین مغایرت نیز به تبصره بند الف ماده ۲۸ برنامه توسعه ششم برمی‌گردد. بر این اساس، «انحلال، انتراع و ادغام موسساتی که به‌موجب قانون، تأسیس شده است، صرفاً با تصویب مجلس شورای اسلامی امکان‌پذیر می‌باشد.» این تبصره برنامه ششم توسعه نیز مغایر با تبصره ۴ ماده واحده لایحه تشکیل وزارت بازرگانی مصوب هیئت وزیران است زیرا در تبصره ۴ تاکید شده در صورت نیاز، انتقال و انتراع سایر دستگاه‌ها به این وزارت‌خانه (بازرگانی)، با تصمیم هیئت وزیران ممکن است. این در حالی است که این اختیار، مغایر برنامه ششم توسعه است و اگر قرار به تغییر باشد، مجلس، صاحب اختیار است نه دولت.

یکی از دلایل مهم منتقدان تشکیل وزارت بازرگانی و لایحه دولت، فارغ از موارد یادشده، مغایرت آن با اسناد بالادستی و قوانین مختلف کشور است که شاید در هیاهوی نظرات موافق و مخالف، کمتر به چشم آمده است. در حالی که اهمیت این دلیل، به نوعی بالاتر از سایر موارد است زیرا از مجلس به عنوان نهاد قانون‌گذار و دولت به عنوان مجری قانون، انتظار می‌رود اولین مدافعان و عاملان اجرای قانون باشند و اجازه تخطی از آن را ندهند. با این حال، هم ارسال لایحه از سوی دولت و هم اصرار مجلس به دولت که لایحه تشکیل وزارت بازرگانی بدهد نه سازمان بازرگانی تا امکان نظارت بر اقدامات مجلس باشد مغایرت‌های اساسی با قوانین دارد.

تکنه قابل توجه اینکه اتفاقاً نیمه اردیبهشت‌ماه، یعنی درست چند روز بعد از موافقت مجلس با بررسی دوفوریتی لایحه تشکیل وزارت بازرگانی، مصطفی‌طاهری؛ رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس، در نشست میز اقتصاد در تلویزیون اعلام کرد که ایجاد وزارت بازرگانی با ۱۰ قانون بالادستی مغایرت دارد و باعث ایجاد پرآگندگی در وظایف می‌شود. به گفته وی، نگرانی این است که با تشکیل وزارت بازرگانی، نگاه واردات‌محور جایگزین صادرات‌محور شود؛ در حالی که تجریبات جهانی نیز بیانگر مدیریت یکپارچه صنعت و تجارت است. اگرچه جزئیات مغایرت‌های ۱۰گانه اشاره نشده اما بررسی مفاد اسناد بالادستی، سیاست‌های کلی و قوانین مختلف نشان می‌دهد این مغایرت‌ها وجود دارد و حتی از ۱۰ مورد هم بالاتر است.

**مغایرت با قانون اساسی**

اولین مغایرت تشکیل وزارت بازرگانی با بند ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی است. در اصل ۴۳ آمده است:
«تاکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تامین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.»

با توجه به بند یادشده، تشکیل وزارت بازرگانی، به دلیل تکیسه بر واردات و گرفتن فرصت از بازار تولیدات داخلی، به‌گونه‌ای مقابله با خودکفایی در عرصه کالاهای اساسی و مغایر با رونق تولید است. آن هم در حوزه نیازهای عمومی است. تهدید خودکفایی با تشکیل وزارت بازرگانی که غالباً

نیاز روز افزون به منابع انرژی و کاهش منابع سوخت فسیلی، ضرورت سالم نگهداشتن محیط زیست، کاهش آلودگی هوا، محدودیت‌های برق رسانی و… همه و همه از جمله چالش‌های مهم صنعت برق هستند. به ویژه آنکه طی سال‌های اخیر، علاوه‌بر افزایش مصرف این نوع از انرژی، که بار شبکه برق کشور را افزایش داده، گسترش پدیده‌ای با عنوان ریززارزهای غیر مجاز، در ابعاد وسیع (مزارع استخراج رمزارز) و نوع کوچک‌تر آن در خانه‌ها، تولیدی‌ها، ریززمین کارگاه‌ها، پارکینگ‌ها و… معادلات امنین برق پایدار و مستمر برای مشترکان را به ویژه در ایام اوج، با چالش روبه‌رو کرده است.

همین‌طور، این رانندازی و استخراج گسترده رمزارزها و استفاده غیرمجاز از این پدیده نوظهور و مشکل‌آفرین برای پایداری شبکه برق، طی یکی دو سال گذشته خسارات زیادی هم به صنعت برق کشور وارد کرده است که از آن جمله می‌توان به سوختن ترانس‌ها، پارگی سیم‌ها و آسیب رساندن به سایر تجهیزات برقی بر اثر افزایش ناگهانی بار شبکه اشاره کرد.

**برق خواری به نام رمزارز**

هزینه ماینینگ بیتکوین، تخمینی از میانگین هزینه استخراج یک بیت کوین در روز است. این هزینه عمدتاً به هزینه‌های برقی که ماینرها برای رانندازی ماشین‌های خود متحمل می‌شوند بستگی دارد که به‌متیرین متغیر هزینه استخراج رمزارز غیر مجاز، در ابعاد وسیع (مزارع استخراج رمزارز) و نوع کوچک‌تر آن در خانه‌ها، تولیدی‌ها، ریززمین کارگاه‌ها، پارکینگ‌ها و… معادلات امنین برق پایدار و مستمر برای مشترکان را به ویژه در ایام اوج، با چالش روبه‌رو کرده است.

همین‌طور، این رانندازی و استخراج گسترده رمزارزها و استفاده غیرمجاز از این پدیده نوظهور و مشکل‌آفرین برای پایداری شبکه برق، طی یکی دو سال گذشته خسارات زیادی هم به صنعت برق کشور وارد کرده است که از آن جمله می‌توان به سوختن ترانس‌ها، پارگی سیم‌ها و آسیب رساندن به سایر تجهیزات برقی بر اثر افزایش ناگهانی بار شبکه اشاره کرد.

هزینه ماینینگ بیتکوین، تخمینی از میانگین هزینه استخراج یک بیت کوین در روز است. این هزینه عمدتاً به هزینه‌های برقی که ماینرها برای رانندازی ماشین‌های خود متحمل می‌شوند بستگی دارد که به‌متیرین متغیر هزینه استخراج رمزارز غیر مجاز می‌شود.

**ایجاد مزرعه استخراج بیت کوین که با مصرف برق زیاد همراه است به خودی خود گرمای شدیدی تولید می‌کند و**

**ایجاد خنک نگهداشتن تهویه محیط بسته، باید شبانه‌روزی از کولرهای گازی استفاده کرد. این در حالی است که اگر به ازای هر کیلووات برق حداقل ۵۰۰ تومان یارانه تعلق بگیرد با این حساب برای تولید هر واحد بیت‌کوین در ایران، حدود حداقل ۳۵ میلیون تومان یارانه دولتی مصرف می‌شود.**

**یکی از دلایل مهم منتقدان تشکیل وزارت بازرگانی و لایحه دولت، مغایرت آن با اسناد بالادستی و قوانین مختلف کشور است که شاید در هیاهوی نظرات موافق و مخالف، کمتر به چشم آمده. در حالی که اهمیت این دلیل، به نوعی بالاتر از سایر موارد است زیرا از مجلس به عنوان نهاد قانون‌گذار و دولت به عنوان مجری قانون، انتظار می‌رود اولین مدافعان و عاملان اجرای قانون باشند و اجازه تخطی از آن را ندهند.**

مربوط به «تجارت اعم از صادرات، واردات و تنظیم بازار داخلی محصولات و کالاهای اساسی زراعی، باغی و گیاهان دارویی شامل گندم، برنج، جو، ذرت، پنبه‌شو، روغن و دانه‌های روغنی، چای، سیبزمینی، پیاز، حبوبات، سیب، پرتقال، خرمه، کشمش، قند، شکر و کنگاله و همچنین محصولات دامی، طیور و آبزیان شامل شیر و فرآورده‌های لبنی، گوشت سفید، گوشت قرمز، تخم‌مرغ و نیز پیله ابریشم» با وزارت جهاد کشاورزی است. اکنون با انتقال این اختیارات و وظایف به وزارت بازرگانی، مسئولیت بازار کالاهای اولیه غذایی، وزارت‌خانه جدید است در حالی که طبق بند ب ماده الف‌قانون تمرکز، مدیریت تولید محصولات ثانویه با وزارت جهاد کشاورزی است. بنابراین انتقال مسئولیت بدون توجه به اقتضات اجرایی جانبی، عملاً بخش‌هایی از قانون تمرکز، از جمله بند ب ماده الف را که هنوز اجرائی آن بر عهده وزارت جهاد کشاورزی است، بی‌اثر و غیرقابل اجرا خواهد کرد.

مغایرت پنجم لایحه تشکیل وزارت بازرگانی نیز با قانون تمرکز و این‌بار ماده ۳ این قانون است. طبق ماده ۳ قانون تمرکز، وزارت جهاد کشاورزی موظف است واردات تمام مواد غذایی مندرج در بند الف ماده یک (کالاهای اولیه بخش کشاورزی) را ملوری کنترل کند که به رشد تولید این محصولات آسیب نزند و تولید آنها تا رسیدن به خودکفایی باید سالانه حداقل ۱۰ درصد افزایش یابد. اکنون تبصره ۳ ماده واحده لایحه تشکیل وزارت بازرگانی، با ماده ۳ قانون تمرکز در تضاد است زیرا با سپردن مدیریت بازار و واردات محصولات غذایی به وزارت

## دست رمزارزهای غیرمجاز بر گلوی شبکه برق

تولید رمز ارز است. «زک برادفورد» (Zach Bradford)، مدیرعامل شرکت استخراج بیت کوین کلین اسپارک (CleanSpark) تأیید کرد که هزینه استخراج بیت کوین بر اساس نوع تجهیزات و هزینه برق، بسیار متفاوت است. بر اساس اطلاعات و آمار در دسترس، متوسط انرژی مورد نیاز برای استخراج هر بیت‌کوین، به عنوان اولین رمزارز ساخته شده، حدود ۳۰۰ مگاوات ساعت برآورد می‌شود که این انرژی به‌صورت متوسط معادل مصرف برق بیش از ۳۵ هزار واحد مسکونی در یک روز است. به استناد تخمین مراجع بین‌المللی (Cambridge، ۲۰۲۱)، در حال حاضر متوسط مصرف برق سالانه کل شبکه جهانی بیت کوین بیش از ۹۶ میلیارد کیلووات ساعت برآورد شده که این مقدار از مصرف سالانه برق در کشورهایی مانند بلژیک، فنلاند و اتریش بیشتر است. گفته می‌شود از این میزان، بین هشت تا ۱۰ درصد مصرف برق، مربوط به ایران است؛ و چیزی حدود دو هزار مگاوات آن، مربوط به مصرف برق واحدهای استخراج رمزارز غیر مجاز می‌شود.

بنا بر گفته کارشناسان، یک ماینر دو تا سه کیلوواتی به‌اندازه ۳۵ پتکه یا ۱۵ یخچال فریزرز و برابر پنج کولر آبی یا یک کولر گازی برق مصرف می‌کند. برای تولید هر بیت‌کوین نیاز به ۷۲ هزار کیلووات ساعت برق است که این میزان معادل مصرف یک واحد مسکونی در طول ۲۴ سال است که مصرف متعارف (۲۰۰ مگاوات ساعت) در تهران دارد. این میزان بیشتر از برق مصرفی حدود ۳۵ هزار واحد مسکونی در یک شبانه‌روز است.
افزایش مصرف برق در ایران، این در حالی است که اگر به ازای هر کیلووات برق حداقل ۵۰۰ تومان یارانه تعلق بگیرد با این حساب برای تولید هر واحد بیت‌کوین در ایران، حدود حداقل ۳۵ میلیون تومان یارانه دولتی مصرف می‌شود.



می‌کند و برای خنک نگهداشتن تهویه محیط بسته، باید شبانه‌روزی از کولرهای گازی استفاده کرد که این موضوع ارتباط مستقیم با روند افزایش مصرف برق دارد. این در حالی است که اگر به ازای هر کیلووات برق حداقل ۵۰۰ تومان یارانه تعلق بگیرد با این حساب برای تولید هر واحد بیت‌کوین در ایران، حدود حداقل ۳۵ میلیون تومان یارانه دولتی مصرف می‌شود.

مورد هفتم این بند نیز بر نگاه بلندمدت و باثبات در قانون‌گذاری اشاره دارد. این در حالی است که به دلیل تعیین سیاست‌های تنظیم بازار در شرایط اقتصاد تورمی به صورت مقطعی، تشکیل وزارت بازرگانی، با نگاه بلندمدت و باثبات، مطرح نشده است. بنابراین از این لحاظ نیز لایحه تشکیل وزارت بازرگانی مغایر با این سیاست است.

**نهمین مغایرت لایحه تشکیل وزارت بازرگانی با بند ۱۶ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است. در این بند بر «صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تاکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی‌اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زائد» تاکید شده است. تفکیک چندباره صنعت و تجارت، با ایجاد تعارض و هزینه‌های تکلی اقتصاد مقاومتی است.**

**مغایرت با سیاست‌های کلی نظام در بخش کشاورزی**
چهاردهمین و پانزدهمین مغایرت لایحه تشکیل وزارت بازرگانی، با بندهای ۲ و ۳ سیاست‌های کلی نظام اقتصاد مقاومتی است. در این بندها، اهمیت رسیدن به امنیت غذایی با رویکرد خودکفایی و سیاست‌گذاری حوزه بازار در راستای حمایت از تولید مطرح شده است. اکنون تشکیل وزارت بازرگانی به واسطه روبه‌های مقتضی آن، با اتکا بر واردات و تنظیم بازار با قیمت دستوری، هم تحقق امنیت غذایی را بریکرد خودکفایی را ناممکن می‌سازد و هم حمایت از تولیدات بازار داخلی، با این رویه میسر نخواهد بود.

**خبرگزاری تسنیم**

**عناوین مجرمانه در استخراج رمزارز غیر قانونی**
امروزه خدمات عمومی همچون آب، برق، گاز و… جزء ضروری و جدایی‌ناپذیر زندگی انسان‌ها می‌باشد. به نحوی که حتی زندگی بدون بهیودمندگی از این خدمات ناممکن بنظر می‌رسد. در واقع جزئی از حقوق عامه محسوب مورد حمایت مقنن و دستگاه قضائی است.
تأمین برق مراکز استخراج رمزارزها مشروط به تدارک و ارائه مجوز معتبر (مجوز ماینینگ) است که به چهار روش صورت خواهد گرفت:
۱) تأمین برق از طریق نیروگاههای تجدیدپذیر،
۲) تأمین برق از طریق سرمایه‌گذاری در زمینه سازی،
۳) تأمین برق با نصب و بهره‌برداری از مولدهای حرارتی،
۴) اتصال به شبکه و خرید انرژی از شرکت برق است.

دو عنوان مجرمانه در رابطه با استخراج رمز ارز غیر قانونی، پیش‌بینی شده است؛ به موجب ماده یک این قانون هر شخصی بدون دریافت انشعاب قانونی برق مبادرت به استفاده از خدمات مزبور نماید (قاچاق) حمل و نگهداری دستگاه‌های استخراج رمز ارز) یا با داشتن انشعاب مبادرت به استفاده غیرمجاز کند علاوه‌بر الزام به پرداخت بهای خدمات مصرفی و جبران خسارت و سایر حقوق مربوطه درخصوص ایجاد اختلال در دستگاه‌های اندازه‌گیری مصرف برق، تهدید علیه بهداشت عمومی یا محیط زیست و همین‌طور با توجه به مخرب بودن آثار استفاده از دستگاه‌های استخراج در دیجیتال ممکن است به شبکه برق منطقه آسیب زده که خود موجب تحقق بزه اختلال در شبکه و تاسیسات عمومی می‌شود.
ایران در کمربند کویری آسیا قرار دارد؛ کم آبی در کنار آب‌وهوای برحرارتی از نیمه بهار، به‌ویژه در جنوب، خودنمایی می‌کند. در ایام تابستان مصرف برق در اقصی نقاط کشور، به‌ویژه شهرهای گرم‌تر و جنوبی بیش از سال گذشته می‌شود. از سوی کاهش نزولات آسمانی و کاهش ذخیره منابع آبی تولید برق، روند سریع رشد بار و همچنین مصرف بالای تجهیزات سرمایشی همیشه به دنبال گرما می‌آید. این پدیده‌ها به علاوه پدیده شوم استخراج رمز ارزهای غیر قانونی، می‌تواند منتهی برقی با چالش تأمین انرژی در زمان اوج مصرف مواجه کند. بنابراین مدیریت مصرف برق و احساس مسئولیت اجتماعی در کنار اقدامات صنعت برق، ضرورت جلوگیری از استخراج غیر قانونی رمز ارزها را دو چندان می‌کند.

**مهدی خانمیرزائی**

**صفحه ۸**

**سه‌شنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۲**

**۱۴ محرم ۱۴۴۵ - شماره ۲۳۳۶۲**

## نقش مدیران در مهار تورم و رشد تولید

در سال‌های اخیر، وقوع شوک‌های اقتصادی در بازار مسکن، خودرو، طلا و افزایش سرسام آور هزینه‌های زندگی، حکایت از این موضوع دارد که برخی از سیاست‌های تولیدی و اقتصادی کشور، بر پایه غلطایت و سودمندی اجتماعی نبوده، بلکه در اثر ضعف در دانش و تجربه برخی از مدیران و مسئولان بوده است که سبب گردیده تا اقتشار وسیعی از جامعه در گرداب تورم و گرانی گرفتار شوند. از آن‌جاکه، تدوین، تصویب و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های تولیدی و اقتصادی توسط مدیران صورت می‌گیرد بنابراین، نقش مدیران در مهار تورم و رشد تولید، انکارناپذیر است. همان طوری که، مدیران کارآمد و شایسته، این توانمندی را دارند تا با رشد تولید، افزایش عرضه از طریق واردات و کنترل تقاضا، سطح عمومی قیمت‌ها(تورم) را کنترل و تنظیم نمایند مدیران ناکارآمد و ضعیف، این زمینه را بوجود می‌آورند تا با تصمیمات غیرعقلایی و غیرکارشناسی، بازار عرضه، تقاضا و قیمت را در تله اقتصادی گرفتار سازند.

مکانیزم اقتصادی با این تصمیمات از حالت توازن و تعادل خارج شده و بستری به وجود می‌آورد تا تورم و گرانی همراه با رکود اقتصادی، گریبان طبقات ضعیف و متوسط جامعه را بگیرد. بنابراین، رشد تولید و مهار تورم، تابع عملکرد مدیران است. همان گونه که مدیر متخصص، باتجربه و متعهد، توانایی آن را دارد تا تورم را متعادل کند دارد بر عکس، مدیر غیرمتخصص، بی‌تجربه و غیرمتعهد، بر آتش تورم و گرانی دامن می‌زند.

**پیشگیری از شوک‌های اقتصادی، ایجاد توازن در عرضه و تقاضا، کنترل رشد نقدینگی و بهبود فضای کسب و کار و رفاه اقتصادی و اجتماعی، نیاز به مدیران شایسته دارد. بنابراین پنج عامل کلیدی که سبب می‌شود مدیر درکسب و کار خود، فردی موفق و محبوب محسوب شود؛ درک عمیق مدیران از مسائل و مشکلات اقتصادی مردم، انگیزه و اراده قوی آنان برای مهار تورم و رشد تولید، داشتن دانش و تخصص لازم و کافی، آینده نگری و عمل هدفمند و منسجم است**

تورم در واقع، یک پدیده پولی است و طبیعتاً دو قطبی دارد که اگر به صورت متعادل و در نرخ کمتر از پنج درصد در سال افزایش یابد انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری و رشد تولید بوده و به صورت قطب تقویت‌کننده اقتصاد ملی، موجب رشد و شکوفایی اقتصاد و اشتغال می‌شود اما اگر، تورم کنترل نشود و به صورت افسارگسیخته و با نرخ بیشتر از ۲۰ درصد در سال افزایش یابد تهدیدی برای تولیدکننده کالا، تأمین‌کننده مواد اولیه و مصرف‌کننده است و به صورت قطب تضعیف‌کننده اقتصاد ملی، موجب گرانی، رکود و کساد(تعطیلی و بیکاری) و فقر و تنگدستی اقشار وسیعی از جامعه خواهد بود.

سیاست‌هایی مانند رشد بی‌رویه نقدینگی، فروش ارز با قیمت بیشتر از بودجه مصوب و اجرای طرح‌ها و پروژه‌های غیراقتصادی و رایگان، نه تنها کمکی به وضع موجود نمی‌کند و نفعی برای بهبود زندگی مردم ندارد بلکه به معیشت زندگی مردم لطمه وارد می‌سازد و اقتصاد کشور را با تورم رکودی مواجه می‌سازد و سبب می‌شود تا ارزش پول ملی و قدرت خرید مردم به شدت کاهش یابد. به همین دلیل، مسئولان و کارگزاران کشور، همواره خواستار رشد و رونق تولید، اشتغال و مهار تورم هستند و بازرگان دین، پیامبران، امامان و علما نیز در بیانات خود، بر مقابله با فقر و تنگدستی تاکید دارند. چنان‌که، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «فقر، انسان‌ها را به فساد و کفر می‌کشاند.» و حضرت علی(ع) فرمودند: «فقر، آرامش روحی و روانی را بر هم می‌زند و باعث‌انده می‌شود.» و امام صادق(ع) نیز فرمودند: «فقر، مرگ غیرطبیعی است که سبب می‌شود تا دین، ایمان و اخلاق از بین برود.»

بنابراین، احکام عقلی و نقلی حکم می‌کنند که مسئولان اقتصادی در انجام وظایف و تکلیف عملی خود، براساس اصل احتیاط عقلی، بهترین راه‌حل را انتخاب کنند تا به رشد و رونق تولید و مهار تورم دست یابند و بر اساس قاعده دفع ضرر محتمل، از تصمیم‌گیری با رویکرد خودکفایی و سیاست‌های اجتناب نمایند تا اقتصاد کشور دچار آشفته‌گی در قیمت‌ها و تکنیکی اقتصادی نشود. با نگاهی به روند وضعیت اقتصادی و بازرگانی تجربیات ایجاد راه موفق دنیا، ملاحظه می‌شود دولت‌های در مهار تورم و رشد تولید و ایجاد رفاه اقتصادی و اجتماعی موفق بوده‌اند که در عرصه سیاست تجاری، به موفق علی و مصالح عمومی توجه ویژه‌ای دارند و در عرصه سیاست داخلی نیز بر افزایش رشد اقتصادی، اصلاح ساختار نظام مالیاتی و اجرای نظام ارزی مدیریت شده تاکید دارند.

**قوانین موفقیت مدیران**
پیشگیری از شوک‌های اقتصادی، ایجاد توازن در عرضه و تقاضا، کنترل رشد نقدینگی و بهبود فضای کسب و کار و رفاه اقتصادی و اجتماعی، نیاز به مدیران شایسته دارد. بنابراین پنج عامل کلیدی که سبب می‌شود مدیر در کسب و کار خود، فردی موفق و محبوب محسوب شود عبارتنداز:

۱) اولین عامل کلیدی؛ این است که مدیر درک عمیق از مسائل و مشکلات اقتصادی مردم داشته باشد. شناخت و درک صحیح مدیران به نسبت به مشکلات معیشتی مردم، سبب می‌شود تا او بهتر بتواند تصمیمات درست و منطقی بگیرد. مدیری که در انبوهی از تورم و سرمایه، غوطه ور باشد نمی‌تواند درک درستی از فشار و سنگینی بار تورم و گرانی داشته باشد.

۲)دومین عامل کلیدی؛ این است که مدیر انگیزه و اراده قوی برای مهار تورم و رشد تولید داشته باشد. شناخت و درک صحیح مدیران و مسئولان نسبت به مشکلات اقتصادی جامعه، در صورتی موثر و کارساز خواهد بود که انگیزه و اداره قوی برای خدمت به آحاد جامعه و مهار تورم و رشد تولید وجود داشته باشد. مدیری که درک عمیق و اداره قوی برای حل مشکلات اقتصادی جامعه نداشته باشد نمی‌تواند برنامه‌های درست و موثری در جهت رفع فقر و بیکاری ارائه نماید.

**همان طوری که، مدیران کارآمد و شایسته، این توانمندی را دارند تا با رشد تولید، افزایش عرضه قیمت‌ها(تورم) را کنترل و کنترل تقاضا، سطح عمومی قیمت‌ها(تورم) را کنترل و تنظیم نمایند مدیران ناکارآمد و ضعیف، این زمینه را به‌وجود می‌آورند تا با تصمیمات غیرعقلایی و غیرکارشناسی، بازار عرضه، تقاضا و قیمت را در تله اقتصادی گرفتار سازند**

۳) مدیر از دانش و تخصص لازم و کافی برخوردار باشد. سومین عامل کلیدی موفقیت مدیران داشتن دانش و تخصص لازم و کافی است. دانش و تجربه لازم و کافی، به مدیر این امکان را می‌دهد تا فاصله بین واقعیت و حقیقت را به درستی تحلیل و ارزیابی نماید و با استفاده از دانش و تخصص خود با بهره‌گیری از افراد خیره و شایسته، بتواند به رشد مورد انتظار تولید و مهار تورم دست یابد.

۴) چهارمین عامل کلیدی این است که مدیر، مدبر و آینده نگر باشد. تحلیل و چهارمین عامل کلیدی این است که مدیر، مدبر و آینده نگر باشد. تحلیل و ارزیابی درست و منطقی در صورتی سودمند و موثر است که با تدبیر و آینده نگری همراه باشد. در واقع، مدیر با تصمیمات مدیرانه و هوشمندانه می‌تواند سودمندی اجتماعی را تضمین نماید. به همین دلیل، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: « هیچ عقلی همانند تدبیر نیست.» و حضرت علی(ع)فرمودند که «تدبیر خوب، اساس اصلاح زندگی و موجب توانگری می‌شود و تدبیر بد، فقر و تنگدستی به بار می‌آورد.»

۵) هدفمند و منسجم مدیر؛ پنجمین عامل کلیدی موفقیت اوست. هدفمندی مدیر، مستلزم تفکر سیستمی، توان هماهنگی، برقراری ارتباط موثر و سازنده با دیگران است. درحقیقت، جامعه در صورتی به سودمندی اقتصادی و رفاه اجتماعی مطلوب دست می‌یابد که مدیران و مسئولان آن، علاوه‌بر داشتن دانش و تجربه و اهداف درست و منطقی، و به صورت هماهنگ و منسجم عمل نمایند. بنابراین، عدم دستیابی به اهداف برنامه‌های پنجساله توسعه که میانگین سطح دست یابی به اهداف، حدود ۵۰ درصد بوده یا میانگین نرخ تورم پنج سال اخیر که حدود ۴۰ درصد است حکایت از این موضوع دارد که در انتخاب مدیران به پنج عامل کلیدی توجه ویژه‌ای به عمل نیامده است.

**فرزاد بزرگی**